



جزوه بیست نهایی عربی || به سبک عمار

انسانی

تألیف: عمار تاج بخش

اسم از لحاظ جنس

در عربی اسم از لحاظ جنس بر دو نوع است:

هیچ می‌دونی که اسامی مؤنث در عربی نشونه دارن ...؟!
نمودار بعدی رو نگاه کن ...

اسم از لحاظ جنس

مذکر ← برجنس نر دلالت می‌کند. (أب: پدر)

مؤنث ← برجنس ماده دلالت می‌کند. (أُم: مادر)

راستی ی باي فرق داره ...

• ی ← الف ← علی **ا**ه

• ی ← یاء ← علی **ا**ه

علائم تأنیث
(مؤنث بودن)

ة ← مدرسة - شجرة

الف مقصورة (ا-ی) ← دنیا - کبری

الف ممدودة (ا-ء) ← صحراء

نکته: حرف فوق در هجرتی نشانه مؤنث هستند با حذف آنها ۳ حرف یا بیشتر باقی بماند:

ماء ← مذکر هر بباء ← مؤنث

نکته: برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن باید مفرد را نگاه کرد.

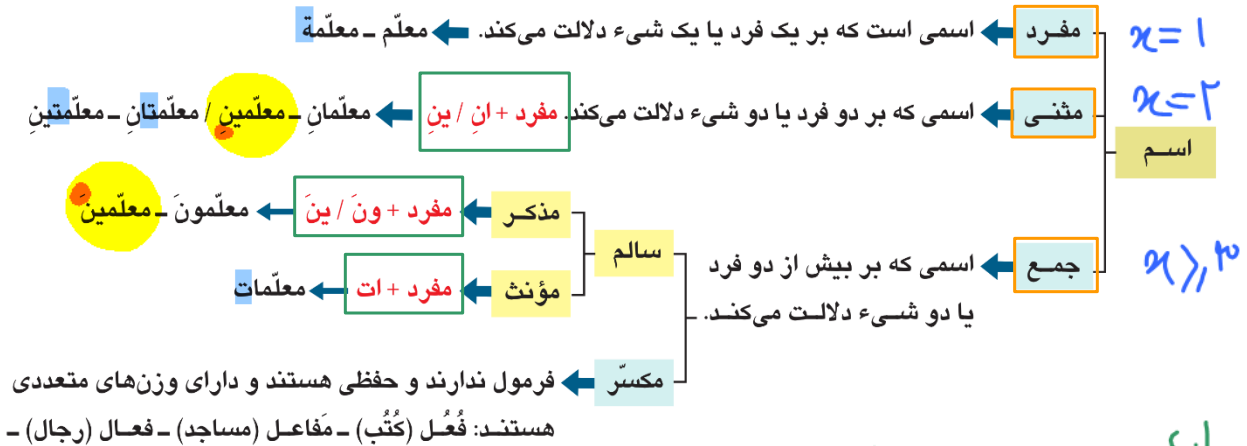
ملائمة ← مؤنث مَلَك ← مذکر

البته اسامی مؤنثی وجود دارند که نشانه مؤنث بودن ندارند. این اسامی بسیار مهم هستند و عبارتند از:

- برخی اسامی حفظی: شمس (خورشید) - أرض (زمین) - نار (آتش) - دار (خانه) - بئر (چاه) - ریح (باد) - نفّس (خود) - حَرْب (جنگ) - روح (روح) و ...
- برخی اعضای زوج بدن: اذن (گوش) - عین (چشم) - يد (دست) - رجل (پا)
- شهرها و کشورها: طهران - کویت - شیراز - ترکیا و ...

اسم از لحاظ عدد

در زبان عربی اسم از لحاظ عدد نیز به سه قسم تقسیم می‌شود که در نمودار زیر آمده است:



نکته: حواسعابه جمع‌های مکسری باشند آخر خود **ان**، **ین** یا **ات** دارند. در مثنی جمع **ال** با حذف حرف فوق مفرد کلمه باقی می‌ماند:

الوان (جم مکسر لون) مسالین (جم مکسر سلین) اصوات (جم مکسر صوت)

فعل از لحاظ زمان و صیغه

حالا که با دو مفهوم اسم از لحاظ جنس و اسم از لحاظ عدد آشنا شدید موقع اوان هست که به فعل و مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین بخش آن بپردازیم اما قبل از آن لطف کنید و فعل «رفتن» را برای شش ضمیر زبان فارسی در گذشته صرف کنید:

چرا این فعل‌ها با هم فرق می‌کنند؟

.....	
.....	
.....	

و اما جدول صیغه‌ها

شماره	نوع	جنس	صیغه	ترجمه فارسی	نام صیغه در عربی	ماضی	مضارع	ضمیر متصل	مثال
۱	غائب	مذکر	هُوَ	او	لِلْغَائِبِ	فَعَلَ	يَفْعُلُ	هـ	هُوَ يَفْعُلُ وَاجِبَاتُهُ.
۲			هُمَا	آن دو	لِلْغَائِبَيْنِ	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	هُمَا	هُمَا يَفْعَلَانِ وَاجِبَاتُهُمَا.
۳			هُمْ	آن‌ها	لِلْغَائِبِينَ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	هُمْ	هُمْ يَفْعَلُونَ وَاجِبَاتَهُمْ.
۴		مؤنث	هِيَ	او	لِلْغَائِبَةِ	فَعَلَتْ	تَفْعُلُ	هَا	هِيَ تَفْعُلُ وَاجِبَاتُهَا.
۵			هُمَا	آن دو	لِلْغَائِبَتَيْنِ	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	هُمَا	هُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبَاتُهُمَا.
۶			هُنَّ	آن‌ها	لِلْغَائِبَاتِ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	هُنَّ	هُنَّ يَفْعَلْنَ وَاجِبَاتُهُنَّ.
۷	مخاطب	مذکر	أَنْتَ	تو	لِلْمَخَاطَبِ	فَعَلْتَ	تَفْعُلُ	كَ	أَنْتَ تَفْعُلُ وَاجِبَاتِكَ.
۸			أَنْتُمَا	شما (۲ تا)	لِلْمَخَاطِبَيْنِ	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما	أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبَاتِكُمَا.
۹			أَنْتُمْ	شما	لِلْمَخَاطِبِينَ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	كُمْ	أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ وَاجِبَاتَكُمْ.
۱۰		مؤنث	أَنْتِ	تو	لِلْمَخَاطِبَةِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	كِ	أَنْتِ تَفْعَلِينَ وَاجِبَاتِكَ.
۱۱			أَنْتُمَا	شما (۲ تا)	لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما	أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ وَاجِبَاتِكُمَا.
۱۲			أَنْتُنَّ	شما	لِلْمَخَاطِبَاتِ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	كُنَّ	أَنْتُنَّ تَفْعَلْنَ وَاجِبَاتِكُنَّ.
۱۳	متکلم	مذکر و مؤنث	أَنَا	من	لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	فَعَلْتُ	أَفْعُلُ	سِ	أَنَا أَفْعُلُ وَاجِبَاتِي.
۱۴			نَحْنُ	ما	لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	فَعَلْنَا	نَفْعُلُ	سِنَا	نَحْنُ نَفْعُلُ وَاجِبَاتِنَا.

توجه: صیغه‌ها از لحاظ شخص به سه دسته اصلی تقسیم‌بندی می‌شوند.

۱ غائب (سوم شخص): فردی‌اشی‌ای است که در مورد آن صحبت می‌کنیم و به حاضر و غائب ربطی ندارد. (او یا آن‌ها)

۲ مخاطب (دوم شخص): فرد یا شخصی است که با آن صحبت می‌کنیم (تو یا شما)

۳ متکلم (اول شخص): من یا مایی که صحبت می‌کنیم (من و ما)

مثلاً اگر من با شما در مورد مریخ صحبت می‌کنم، من متکلم هستم، شما مخاطب و مریخ غائب!!!

◀ حواستان باشد که فعل مضارع دو ویژگی دارد:
 ❶ در ابتدای خود حروف مضارعه دارد: أَتَيْنَ - تَيْنَا

❷ فعل مضارع همواره مرفوع است آن هم به سه روش:

- ◀ با ضمه: در صیغه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴
- ◀ با نون اعراب یا نون عوض رفع: در صیغه‌های ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱
- ◀ بدون نشانه: در صیغه‌های ۶ و ۱۲

توضیح: فعل مضارع آخر خود یا «ت» دارد یا «ن». فعل‌هایی که آخر خود «دارند» با «ضمه» مرفوع هستند. اگر فعل مضارع آخر خود «نداشته» باشد نون دارد، آن نون نشانه مرفوع بودن است و عوض رفع است به جز نون در دو صیغه (۶) و (۱۲) یعنی جمع مؤنث یعنی «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» چون نون در این دو فعل ضمیر متصل هستند.

